تضمین غزل حافظ

امین، سید حسن

در نسخه‏ای خطی به رقم و قلم شادروان حبیب اللّه خان مقصودلو1 مضبوط در کتابخانه‏ی نیای من زنده یاد میر سید حسن امین الشریعه، این تضمن را به نام مرحوم امیر شوکة الملوک حاکم قائنات‏2یافتم.

اکنون هدیه ارباب فضل و اصحاب ذوق را در ماهنامه‏ی نامی وحید که‏ امروزه ملحوظ و محل توجه عموم افاضل است طبع و نشر می‏شود از دانایابی که‏ تتمهء تضمن را بدانند یا احتمالا سراینده‏ی واقعی یا منتسب الیه دیگری برای آن‏ باز شناسد توقع و انتظار می‏رود به سیرت ارباب فضل و فضیلت و دانش و بصیرت‏ 1-حبیب اللّه خان مقصودلو و حاکم پیشین قصر شیرین،فرزند مرحوم‏ عبد الصمد میر پنج(رئیس دسته‏جات سوار مقصودلو به استرآباد)وب‏ الزوجه آقای دکتر جواد صفائی نمایندهء مجلس شورای ملی،تا چند سال‏ قبل در قید حیات بود و من خود محضر او را در شهر گرگان در منزل برادر دانشورش شادروان حاج علیخان قره داغی درک کرده‏ام.

2-شوکة الملک علم والد جناب امیر اسد اللّه علم وزیر دربار پادشاهی‏ از غایت اشتهار از تعریف مستغنی است.

از آگاهانیدن دانش پژوهان و این کمترین طالب علمان دریغ روا ندارند.

حسین آن خسرو خوبان و شمع جمع محفلها خدیو ملک او ادنی و شاه کشور دلها ز بطحا شد برون،بهر تمیز حق ز باطلها سرودی داشت با خود گه گهی در طی منزلها: الا یا ایها الساقی!ادر کأسا وناولها که عشق،آسان نمود اول،ولی افتاد مشکلها مگر مشاطه،روی باغ ماتم را بیاراید که صوت بلبلان بر محنت و دردم بیفزاید و یا نومیدی اکبر هر ایشان را بباد آید به بلبل گو به یاد گیسویش این شعر بسراید به بوی نافه‏یی کاخر صبا زان طره بگشاید، ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاده در دلها! به عشق من،گواهی می‏دهد-یاران!-رخ زردم به راه عشق رفتن کس نمی‏باشد هماوردم‏ من آن رند بلا جو وان حریف لا مکان گردم‏ که از کعبه سوی کرببلا قربانی آوردم‏ مرا در منزل جانان چه امن و عیش؟چون هر دم‏ جرس فریاد بر دارد که بر بندید محملها!